

کارگردان «میلیونر میامی» در گفت و گو با «صبا»:

ادای دین کردم

ملیکا مومنی زاد

گفت و گو

مصطفی احمدی از پس سال‌ها فعالیت در سینما و دستیاری کارگردان وارد حوزه فیلمسازی شد و در قامت یک کارگردان ایستاد و فیلم‌هایی چون «نزدیک‌تر» و «میلیونر میامی» را ساخت. این روزها فیلم دوم او یعنی «میلیونر میامی» روی پرده سینماهای ایران است و به همین بهانه گفت‌وگویی با او داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

دوست دارم در سینما جوانی کنم!



بخش‌های فیلم از خط کمدی سیاه خارج شدم. ورود به فضای کمدی سیاه را دوست داشتم نه به دلیل این که کمدی سیاه وجه روشنفکرانه سینمای کمدی است چرا که اساسا کمدی در ذات خود جنبه‌های روشنفکرانه بسیاری دارد. واقعیت این است که دوست داشتم چنین چالشی را تجربه کنم و امیدوار بودم مخاطب نیز این فضا را درک کند و با آن همراه شود.

باز خورده‌های مخاطبان را چطور دیدید؟

مخاطبان این فیلم دو گروه هستند؛ یا از فیلم «میلیونر میامی» بدشان می‌آید به دلیل این که آدرس اشتباه به آن‌ها داده شده و مخاطب فیلم دیگری بودند و در خوش‌بینانه‌ترین شکل ممکن، با ذهنیت دیگری وارد سالن سینما شدند و نتوانستند در طول مدت زمان فیلم خود را با جهان آن هماهنگ کنند یا گروه دیگری هستند و براساس شناختی که از این جنس سینما داشتند، به‌رغم نقدهایی که به کار وارد می‌دیدند با آن همراه شدند و جهان آن را درک کردند.

اما به نظرم فارغ از بحث کمدی سیاه، رگه‌هایی از فانتزی در نوع بازی بازیگران و گریم آن‌ها دیده می‌شود، خودتان چقدر به این نکته قائل هستید؟

من این فضا را فانتزی قلمداد نمی‌کنم، این نکاتی که ذکر کردید را بگذارید به حساب همان بحثی که پیش‌تر مطرح کردم یعنی در جهت نشانه‌سازی برای تماشاگر عام سینمای ایران به این سمت‌وسو رفتن تا به این واسطه زودتر با اثر ارتباط برقرار کند و با قصه همراه شود. نمی‌خواستم به سمت فضای فانتزی بروم، اگر منظور آن از فانتزی بخش پایانی فیلم است، آن را می‌پذیرم! این نقد را نیز می‌پذیرم که چنین پایانی مناسب این جنس فیلم نیست و آن را بگذارید به حساب تغییر و تحولاتی که در طول زمان قابل توجه ساخت تا اکران اثر رخ داد.

قربیب به دو سال میان ساخت تا اکران این فیلم فاصله افتاده است، این فاصله زمانی دلیل خاصی داشت؟

من ترجیح می‌دهم در شرایط امروز سینما که مشکلات متعددی وجود دارد، درباره اتفاقات درون خانواده این فیلم صحبت نکنم.

حرف ناگفته‌های باقی مانده است؟

آنچه در فضای امروز سینما وجود دارد و من را به عنوان کسی که در این حیطه فعالیت می‌کند، آزار می‌دهد، مجموعه رفتارهایی است که با مجموعه فیلم‌ها صورت می‌گیرد. بخشی از این‌ها حتی از حد فیلم می‌گذرد و به عوامل سازنده یک اثر تسری پیدا می‌کند. نقدهای تک‌عبارتی و چسباندن برچسب‌هایی مثل نازل، سخیف، وابسته، پول‌کیف و... به فیلم‌ها و فیلمسازان من را آزار می‌دهد. روی صحبت‌ها با منتقدان است، نه کسانی که به‌صورت حرفه‌ای کسوت نقد را دنبال می‌کنند بلکه آن‌هایی که به جریان سینمای ایران نقد دارند اعم از تماشاگران، متخصصان سینما، تحلیلگران آثار و... حواسمان باشد این رویه اگر از حد بگذرد سبب می‌شود جسارت فیلمسازان گرفته شود. برخی از کسانی که تازه به سینما ورود کرده‌اند درصدد تجربه فضاهای متفاوت در سینما هستند، سرکوب‌های این چنینی دست‌آوردهای برای ما نخواهد داشت جز آن که عمر مفید فیلمسازی را برای هر کارگردان کوتاه کند. ما فیلمسازانی داریم که فقط نتوانستند دو یا سه فیلم بسازند و بعد از آن یا مجبور شدند به جریان اصلی تن بدهند یا به گونه‌ای خط عوض کنند تا باب طبع تماشاگر عام سینما باشد. این‌ها اتفاقات خوبی نیست که در سینمای ما در حال وقوع است. نمی‌گویم با سینمای ایران مدارا کنند ولی از این نقدهای تک‌خطی و برچسب‌زنی‌های بدون تحلیل و پشتوانه بهره‌برند.

قبلی من استقبال نکرده است پس بروم سراغ ژانری مثل کمدی که مخاطب زیادی دارد. نکته بعدی در رابطه با سوال شما این است که من اواخر سال ۹۴، زمانی این فیلم را ساختم که اصلا فیلم‌های کمدی در سینمای ایران تعداد قابل توجهی مثل حال حاضر نداشتند. ما هیچ وقت دغدغه این مسئله را نداشتیم که دنباله‌رو یک جریان باشیم، حداقل من به‌عنوان کارگردان خیلی با حساب و کتاب‌های این چنینی فیلم نساختم. اما یک نکته دیگر، اگر منظور از ساخت فیلم کمدی جذب تماشاگری است که سلیقه آن به غلط دنباله‌رو سینمای کمدی حال حاضر شده است، من عامدانه هیچ تعهدی نسبت به آن تماشاگر ندارم. ترجیح من این است مخاطبی به سالن سینما بیاید و فیلم من را ببیند که بتواند کلید اثر را پیدا کند و از مسیر درستی وارد جهان فیلم شود. منظور از ذکر این نکته این نیست که مخاطب لزوماً فیلم را ببیند و با آن همراه شود بلکه می‌خواهم بگویم از مسیر درستی وارد جهان فیلم شود و اصلاً آن را نقد نکند. اگر بخواهم در یک جمله جواب سوال شما را بدهم من واقعا در ساخت این اثر چنین حساب و کتابی را لحاظ نکرده بودم و در عین حال اصلا فکر نمی‌کردم روزی فیلم من کنار چهار اثر کمدی دیگر اکران شود.

اما در «میلیونر میامی» با شخصیت‌هایی طرف هستیم که دست به کارهایی می‌زنند که شاید در وهله اول خنده‌دار باشد اما هر کدام عمق فاجعه زندگی انسان‌های امروزی را نشان می‌دهد. شخصیت‌های این فیلم کارهای بانمکی می‌کنند اما در همین میان برای رسیدن به خواسته‌های خود حتی هورتشان را قربانی می‌کنند، به نظر می‌رسد در فیلمنامه به سمت فضای کمدی سیاه رفتید، چقدر این اتفاق تعمدی بوده است و به نظر تان ساخت فیلم در چنین فضایی در سینمای ایران جواب می‌دهد؟

ورود به فضای کمدی سیاه به سبب علاقه‌مندی من به این فضا بود. براساس طرحی که در ابتدا داشتم و فیلمنامه‌نویسان به شکل ماهرانه‌ای آن را گسترش دادند، غنای شخصیت‌ها، تغییر وضعی و خلق مواردی که اساساً در طرح من نبود و با هنرمندی آن‌ها به داستان اضافه شد، تا حدی که امکان داشت در فیلمنامه مورد توجه قرار گرفت و رعایت شد. البته من متوجه این نکته بودم که بر حسب تجربه، مخاطب عام سینمای ایران با کمدی سیاه ارتباط منطقی برقرار نمی‌کند چرا که این نوع از کمدی هیچ وقت از سمت منتقدان و بعد مخاطبان جدی گرفته نشده هر چند که از سوی تحلیلگران و سینمادوستان در مسیر زمان جای خود را در سینما باز کرده است. نمی‌خواهم فیلم خود را با آثار بزرگ این حوزه سینمای ایران مقایسه کنم اما حداقل می‌توانم بگویم سعی کردم ادای دینی به آن جنس از سینما داشته باشم. از «نورک» فرخ غفاری گرفته تا «من دیه‌گو مارادونا هستم» بهرام توکلی؛ رفتار منتقدان با این جنس از سینما را ببینید، تقریباً این فیلم‌ها هیچ وقت به خوبی درک نشدند، به دلیل این که در سینمای ما به سنت کمدی سیاه درست پرداخته نشده است، شاید به سبب این که آن را فرآیندی غربی در نوع قصه‌گویی می‌دیدند و معتقد بودند غیربومی است. نمی‌توانم این ادعا را کنم که من تمام مختصات این گونه سینمایی را پیاده کردم و باید بگویم در برخی مواقع بنا به ضرورت، در جهت جلب توجه مخاطب عام سینما مجبور شدم باجهایی به این طیف از تماشاگران بدهم تا اثر را دنبال کنند و بتوانم حرف‌هایی که مد نظر من بود را به او انتقال دهم. معتقدم در برخی

چند سال پیش از شما فیلم «نزدیک‌تر» را دیدیم؛ فیلمی که به جهت فرمی و تا حدی محتوایی با ساخته دوم شما یعنی «میلیونر میامی» تفاوت‌هایی دارد. این که می‌گویم از حیث محتوا تا حدی تفاوت دارد به این سبب است که هنوز دغدغه‌های انسانی و درگیری انسان با ساختار زندگی امروز در هر دو فیلم شما وجود دارد اما در فیلم «میلیونر میامی» به سراغ فضای متفاوتی به نسبت ساخته اول خود رفتید، این تغییر فضا به چه علت بوده است؟

همان‌طور که شما اشاره کردید خود من نیز معتقدم مشابهت‌هایی در هر دو فیلم وجود دارد هر چند که به نظر من، به‌عنوان کارگردان نباید این شباهت‌ها را به زبان بیاورم و ترجیح می‌دهم وارد تحلیل فیلم خود نشوم چرا که این وظیفه منتقدان، تحلیلگران و تماشاگران یک اثر است که اگر اثری قابلیت تحلیل دارد آن را بررسی کنند. اما به هر جهت در پاسخ به این که چرا وارد یک فضای طنزآلود شدم باید بگویم این قصه سال‌های پیش به ذهن من رسید و از همان زمان پرداخت به آن، چنین فضایی را مطالبه می‌کرد. من نیز علاقه‌مند بودم این فضا را تجربه کنم هر چند که نیاز به تجربه بیشتری داشتم و به این اشراف دارم که بخش‌هایی از فیلم قابل نقد است اما به هر حال فکر کردم پس از تجربه فیلمسازی در یک فضای بسته در فیلم «نزدیک‌تر» لازم است قصه‌ای را با فضاهای متنوع به‌لحاظ سینمایی کار کنم و برایم یک چالش بزرگ‌تر به حساب می‌آید. از منظر طرح موقعیت‌های انسانی به این قائل هستم که هر دو اثر شباهت‌هایی به یکدیگر دارند و همچنان به قصه‌گویی در سینما علاقه‌مند هستم؛ به نظرم هر دو فیلم «نزدیک‌تر» و «میلیونر میامی» به سنت‌های نمایشی وفادار بودند. البته سعی کردم به این سنت‌ها و پارامترها وفادار باشم اما این که تا چه اندازه موفق شدم را مخاطب باید مشخص کند. از سوی دیگر از ابتدا که وارد حیطه فیلمسازی شدم بنا را با خود بر این گذاشتم که به‌عنوان یک کارگردان فقط در محدوده یک فضا و ژانر خاص فعالیت نکنم، این سابقه در کارنامه بسیاری از فیلمسازان جهان وجود دارد هر چند که معتقدم همین رویکرد می‌تواند من را از قالب فیلمساز متعهد روشنفکر مولف خارج کند. اما به هر حال ترجیح دادم خودم را مثل فیلمسازی که تمایل دارد با خود مدیوم سینما باز بگوشی کند، حفظ کنم و به‌رغم سن و سالی که دارم، دوست دارم در سینما جوانی کنم.

فارغ از کمدی‌های دست‌چندم که اصلاً موضوع بحث ما نیست، بسیاری از فیلمسازان سینما به سبب شرایط فعلی و استقبال مخاطب از ژانر کمدی به این فضا روی آوردند و بنا را بر این گذاشتند تا همان حرف‌های مهمشان را با زبانی طنز و نرم‌تر بیان کنند، همین گسترش ژانر کمدی و استقبال مخاطب از آن چقدر در تصمیم شما برای ساخت «میلیونر میامی» تاثیرگذار بود؟

در این شکی نیست که هر فیلمساز علاقه‌مند است در هر ژانر و فضای که فیلم می‌سازد، تماشاگر را به خود جلب کند. کارگردانی که فیلم جنگی، اجتماعی، ملودرام عاشقانه و... می‌سازد به همان اندازه دوست دارد مخاطب داشته باشد. اما من تا به همین جا که فیلم دوم خود را روانه پرده سینما کرده‌ام؛ فیلمسازی و مسیری که در این عرصه طی می‌کنم را بنا به واکنش‌های بیرونی هدایت نمی‌کنم، البته امیدوارم این حرفی که می‌زنم را بتوانم در ادامه کارنامه حرف‌های خود عملی کنم. اصلاً به این شکل فکر نمی‌کنم که مثلاً تماشاگر اگر از فیلم